



ایمانی‌پور در گفت و گو با «ایران» از دیپلماسی فرهنگی و تعامل با جهان در سی سالگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی می‌گوید

روایت‌گری موثر از ایران قوی

دهم تیرماه ۱۴۰۴، سی‌امین سالگرد تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. در عصر کنونی، که ویژگی بارز آن پیچیدگی و ورود به منازعات شناختی است، مفهوم «دیپلماسی فرهنگی» بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد. دشمنان در عرصه جنگ شناختی، هدف خود را بر دستکاری افکار، باورها، ارزش‌ها و حتی هویت یک جامعه متمرکز می‌کنند. مذهب، تمدن و فرهنگ غنی ایران، با پیشینه‌ای چند هزار ساله و تأثیرات عمیق بر تاریخ بشریت، همواره هدف این دست‌جنگ‌های نرم بوده است. در چنین شرایطی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نقش حیاتی و پررنگی در دفاع و تقویت فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی ایفا می‌کند. به بهانه گذشت سه دهه از تأسیس این سازمان، گفت‌وگویی با حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی ایمانی‌پور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی صورت داده‌ایم که از نظران می‌گذرد.

با گذشت سه دهه از آغاز فعالیت رسمی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، برخی مخاطبان داخلی و بیرون مرز در صدد شناخت این سازمان و کارکرد عینی آن هستند. گفت‌وگو را با اجازه از همین نقطه آغاز کنیم.



قبل از آغاز بحث لازم می‌دانم یاد و خاطره شهدای بزرگوار حملات اخیر رژیم مغرور و متجاوز صهیونیستی به خاک پاک و مقدس کشورمان را گرامی داشته و متعاقباً پیروزی ایران اسلامی در مواجهه با دشمنان قسم خورده این مرز و بوم را تبریک بگویم. بدون شک آنچه اخیراً رخ داد، مصداق بارز پیروزی بر جنگ ترکیبی دشمن بود. ترکیب قدرت سخت و نرم ایران سبب شد تا دشمن صهیونیستی و آمریکا با منظومه‌ای پیچیده و استوار مواجه شوند و در نهایت جهت توقف جنگ دست به دامان واسطه‌گران شوند. همین نبرد نشان دهنده اهمیت "جنگ شناختی" و "جهاد تبیین" است. دفاع از مظلومیت و حقانیت ایران در آن سوی مرزها یکی از جلوه‌های همین تبیین‌گری است که باید در آن استمرار داشت. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی واقع‌بازوی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در محیط بیرون مرزی و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. در یک گزاره کلی، مسئولیت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی «روایتگری موثر از ایران قوی» و معرفی فرهنگ و تمدن غنی ایرانی-اسلامی به دنیا از طریق ایجاد ارتباطات موثر و مستقیم با ملل، نهادها، فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر است. پیگیری موافقتنامه‌های فرهنگی با سایر دول و تنظیم برنامه‌های فرهنگی با کشورها، ارتباط با نخبگان و مراکز فرهنگی خارجی، گفتگوهای فرهنگی و بین‌الدیانی و تقریبی، کمک به تبادل اساتید و دانشجویان خارجی، معرفی تولیدات و دستاوردهای علمی مراکز علمی - دانشگاهی، ترویج و گسترش زبان فارسی، تلاش برای ایجاد وفای با ایرانیان خارج ازکشوردراستای تقویت هویت ملی آنان، مقابله با ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی، راه‌اندازی تفریحات رسانه‌ای و ارتباط با افراد موثر در فضای مجازی، برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری و هفته‌های فرهنگ و هنر، کمک به توسعه صادرات خدمات و محصولات فرهنگی، کمک به ترجمه معکوس علوم انسانی - اسلامی و...از جمله مسئولیت‌های این سازمان محسوب می‌شود. تمامی این عناوین را می‌توان در بطن یک گزاره کلیدی تحت عنوان "ارائه تصویر جامع و شایسته از جمهوری اسلامی ایران" جمع کرد. قویا معتقدیم که در عصر کنونی، ارائه تصویر واقعی و بیان حقایق جمهوری اسلامی و روایت‌های واقعی، به اذهان و باورها جهت می‌دهند. بنابراین باید در "روایتگری از خود" پیشگام و کاترگر بوده و در مقابل، با روایت‌سازی‌های دروغین و تحریف‌شده از جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی -اسلامی مقابله کنیم. در همین جا لازم است اشاره کنم که ما در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی صرفاً نگاه پدافندی در قبال جنگ شناختی و ترکیبی دشمن نداریم. در حقیقت، به عناصر نبرد آفندی و پیش‌دستانه فرهنگی در عصر کنونی باور داریم و اساساً مبنای عملکرد ما نیز همین است. تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال ۱۳۷۴ محصول دغدغه‌مندی جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد انسجام در ارائه شناخت واقعی نسبت به نگاه گفتمانی و تمدنی ما بود. بزرگانی مانند مرحوم آیت الله تسخیری نقش مهمی در تثبیت و ارتقای این ساختار ایفا نموده‌اند. اجازه دهید در همین جا از زحمات و تلاش‌های مجاهدانه آشکار و پنهان روسای پیشین سازمان و رزمندگان عرصه دیپلماسی فرهنگی کشور در طول این سه دهه تقدیرنمایم، زیرا ثمرات تلاش آنان را به رای‌العین در طول سال‌های طولانی که در سطوح مختلف سازمان حضور داشته‌ام، مشاهده نموده‌ام.

لطفاً اشاره‌ای هم به ویژگی‌های جهان معاصر و جایگاه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در این عرصه بفرمایید. یکی از مسائل مهمی که در قبال این سازمان مطرح می‌شود، ناظر بر سیاستگذاری فرهنگی در آن سوی مرزهاست. این سیاستگذاری چه بایسته‌هایی دارد و مبتنی بر چه قواعدی است؟ یکی از ویژگی‌های جهان

معاصر، شتاب بیش از حد تحولات است. اهالی خبره عرصه فرهنگ تصدیق می‌کنند که سیاستگذاری فرهنگی با استناد به این ویژگی، دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. به عبارت بهتر، ساده‌انگاری و نگاه سطحی به عرصه فرهنگ و تبادل‌ات فرهنگی، نخستین خطایی است که باید در تحلیل رویکرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی، از آن اجتناب کرد. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به صورت پویا و مستمر در حال رصد تحولات فرهنگی و اجتماعی در محیط بیرون مرزی و سنجنش نسبت آنها با منافع ملی است. قرار گرفتن جهان در یک پیچ تاریخی، ضرورت اشرف نسبت به تحولات جهانی را گوشزد می‌نماید. بررسی اصولی و عمیق چیستی و چرایی رویدادها، می‌تواند در طراحی صحیح رویکردهای فرهنگی، نقش کلیدی داشته باشد. اینکه در کجا ایستاده‌ایم و چشم‌اندازمان چیست؟ بسیار حائز اهمیت است. اگر رسالتی نظیر «افق‌گشایی برای تمدنی نوین» را برای خود تعریف نماییم، رفتار کنشگرایانه تری نسبت به ماموریت‌ها و وظایف، برای خود ترسیم خواهیم کرد. نگاهی که هم‌اکنون بر سازمان حاکم است، چنین نگاهی است. نگاه ما به "تمدن نوین" به مثابه‌ی یک رویکرد است نه یک موضوع در کنار سایر موضوعات. اعتقاد دارم که نقطه ثقل مواجهه جهان استکبار با ما نیز همین نقطه و منظر است.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که دیپلماسی فرهنگی انعکاسی از دیپلماسی سیاسی کشور بوده و اساساً متغیری وابسته به آن محسوب می‌شود. آیا این نگاه را تأیید می‌کنید؟ بدیهی است که در یک دیپلماسی پویا نمی‌توان میان فرهنگ، سیاست و اقتصاد یک کشور و منافع کلان آن در این عرصه‌ها تعارض قائل شد. این اضلاع باید در تعامل با یکدیگر و در بطن یک نگاه راهبردی تعریف و تصدیق شوند. بر همین مبنا دیپلماسی فرهنگی ما قطعاً ناظر بر سیاست‌های کلان کشور ترسیم می‌شود. اما این به معنای وزن یکسان و کارکردهای همگون نیست. انگاره‌ای که بعضاً مولد محاسباتی نادرست در قبال فعالیت دستگاه دیپلماسی فرهنگی می‌باشد، مربوط به نگاه دست‌دومی در قبال فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی می‌باشد. در حال حاضر در عرصه بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی را ابزار دیپلماسی سیاسی نمی‌دانند بلکه فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی هدف دیپلماسی، دانسته می‌شود. و در نازلترین نگاه، دیپلماسی فرهنگی مقوم و عامل پایداری روابط و سایر شقوق دیپلماسی شناخته می‌شود. نگاه عمیق، سلسه‌وار و اثرگذار نسبت به مقوله فرهنگ و ترویج الگوهای فرهنگی یک کشور در آن سوی مرزها، بایسته‌ای اجتناب‌ناپذیر در این عرصه محسوب می‌شود. فرهنگ مانند اقتصاد یا حتی سیاست، تابعی از امور گدرا و ناپایدار نیست بلکه مستقیماً با «باورها» و «افکار عمومی» ارتباط برقرار می‌کند. این همان خصلت ذاتی فرهنگ است که انکار آن، منجر به درک ناقص نسبت به این حوزه خواهد شد. در همین چارچوب باید عرض

کنم که پاشنه آشیل فعالیت‌های فرهنگی و به تبع آن روابط فرهنگی، نگاه کمی گرایانه در عرصه دیپلماسی فرهنگی است. البته نگاه کیفی در عرصه دیپلماسی فرهنگی، به معنای گریز از سنجنش و ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی در آن سوی مرزها نیست، اما در این ارزیابی (که اتفاقاً به صورت مکرر و منظم از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی صورت می‌گیرد) نباید دچار خلط رویکرد کیفی با کمیت‌ها گردید. یکی از اصلی‌ترین ماموریت‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دوره تحولی جدید، اصالت بخشی به نگاه کیفی گرایانه با استناد به مولفه‌های عینی می‌باشد. در این مسیر، پیشرفت‌های بسیاری صورت گرفته که بخش مهمی از ارزیابی‌های فرهنگی بیرون مرزی را تحت تأثیر قرار داده است.

تاکنون بارها بر نقش قرارگاهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در عرصه دیپلماسی فرهنگی کشور تأکید شده است. با این حال در برخی اظهارنظرهایی که از سوی حضرتعالی و دیگر اعضای ارشد سازمان بیان شده، گمان‌کن بر لزوم حرکت به سوی این هدف تأکید می‌شود. موانع تحقق کامل نقش قرارگاهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی کدامند؟ همانگونه که اشاره شد، فلسفه تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ایجاد انسجام در فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بوده است و این مهم محقق نخواهد یافت مگر با ایفای نقش قرارگاهی توسط این سازمان. از این رو در دوران تحولی و جدید سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درصدد دستیابی به همین نقطه و هدف کلیدی هستیم. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هنوز نتوانسته است به صورت کامل و مطلوب، نقش خود را به عنوان قرارگاه دیپلماسی فرهنگی کشور به منصه ظهور برساند. این مسئله معلول عدم اراده یا فقدان دغدغه و تلاش مجذانه در این مجموعه نبوده و منبعث از موانع ساختاری، سوء تفاسیرها و عدم تمهید مقررات و قوانین بالادستی و متعلقات آن می‌باشد. هنوز تا رسیدن به هم‌افزایی مطلوب نهادهای گوناگون اجرایی، فکری و فرهنگی کشور با محوریت نگاه قرارگاهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی فاصله وجود دارد. اما الزامات جهانی و پیرامونی، لزوم رسیدن به یک رویکرد هماهنگ و هم‌افزا در عرصه دیپلماسی فرهنگی را موجب گردیده است. دلسوزانی که به حق بر روی لزوم نقش‌آفرینی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان قرارگاه دیپلماسی فرهنگی کشور تأکید می‌ورزند، باید نسبت به این موضوع واقف باشند که تحقق چنین مطالبه مهمی که اتفاقاً رهبر معظم و حکیم انقلاب اسلامی نیز بر روی آن تأکید ویژه فرموده‌اند، نیازمند تعاملات پیوسته و فشرده‌ای میان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سایر نهادها است. تثبیت نقش قرارگاهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در عرصه دیپلماسی فرهنگی کشور یک الزام است که باید محقق شود. اما این مهم نیازمند پشتیبانی نهادهای قانون

گذار و مجری در این عرصه است. بدیهی است سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در عین پیگیری صریح و مستمر این مطالبه ضروری، اجازه توقف فعالیت‌ها و ماموریت‌های خرد و کلان در آن سوی مرزها را نخواهد داد.

با توجه به نکاتی که در طول این بحث، خصوصاً در ابتدای آن مطرح فرمودید نقش و جایگاه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن و جهاد تبیین را چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟

جنگ شناختی را می‌توان تلاش سازمان یافته برای تأثیرگذاری بر فرآیندهای فکری، احساسی و شناختی یک جامعه یا گروه از طریق دستکاری اطلاعات، روایت‌ها و تصاویر، تعریف کرد. جنگ شناختی پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که مقابله با آن نیازمند رویکردی جامع، هوشمندانه و فعال است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم فرهنگی و تمدنی ایرانی - اسلامی و با اتکا به دیپلماسی عمومی و فرهنگی، تلاش می‌کند نقش محوری در دفاع از هویت ملی و تمدنی ایران در برابر تهدیدات جنگ نرم ایفا نماید. موفقیت در این عرصه مستلزم شناخت عمیق از ماهیت جنگ شناختی، سرمایه‌گذاری بر تولید محتوای با کیفیت، تربیت نیروی انسانی متخصص و ایجاد شبکه‌ای گسترده از ظرفیت‌های مردمی است. این سازمان نه تنها باید مدافع فرهنگ اسلامی و ایرانی باشد، بلکه باید فعالانه به ترویج آن بپردازد و چهره‌ای حقیقی و روشن از تمدن بزرگ ایران اسلامی را به جهانیان ارائه دهد.

اساساً جنگ شناختی و ترکیبی ناظر بر تخریب هویت ملی و فرهنگی، ایجاد شکاف‌های اجتماعی، تغییر باورها و ارزش‌ها، کاهش اعتماد عمومی و ایجاد ناامیدی صورت می‌گیرد. در مورد ایران، هدف اصلی جنگ شناختی دشمن تضعیف جایگاه تمدنی و فرهنگی، به چالش کشیدن مبانی انقلاب اسلامی و تخریب تصویر کشورمان در افکار عمومی جهانی است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با توجه به ماهیت کارکردی خود، در مقابله با جنگ شناختی مسئولیت‌های متعددی را بر عهده دارد. معرفی اندیشه و سیر معمار کبیر انقلاب اسلامی و تبیین ترویج مقریات داهیانه‌ی رهبر حکیم انقلاب، معرفی صحیح تمدن و فرهنگ ایرانی-اسلامی، روشنگری و آگاهی بخشی در برابر تحریفات و شبهه افکنی‌ها، تقویت بنیان‌های فرهنگی و هویت ملی ایرانیان در خارج کشور، توسعه شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ای بین‌المللی با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مردم پایه، از جمله این موارد محسوب می‌شود. در این مسیر، تدبیر، هوشمندی، سخت‌کوشی و خلاقیت در جهاد تبیین در عرصه بیرون مرزی، یک ضرورت است. دشمنان هرگز ظرفیت‌های ملت عزیزمند و همیشه سرافراز ایران را که به وعده‌ها و تاپیدات الهی دلگرم هستند را نشناخته‌اند و از این رو در محاسبات خود دچار خطا می‌شوند.

● قویا معتقدیم که در عصر کنونی، ارائه تصویر واقعی و بیان حقایق جمهوری اسلامی و روایت‌های واقعی، به اذهان و باورها جهت می‌دهند. بنابراین باید در "روایتگری از خود" پیشگام و کاترگر بوده و در مقابل، با روایت‌سازی‌های دروغین و تحریف‌شده از جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی -اسلامی مقابله کنیم

دیپلماسی فرهنگی تاثیر مستقیم بر اقتصاد کشور دارد

ایران یکی از قدیمی‌ترین و متمدن‌ترین کشورهای دنیاست. ما موقعی که تاریخ را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که در گذشته‌های دور، نهایتاً سه یا چهار تمدن در سراسر جهان وجود داشته که یکی از اصلی‌ترین آنها، تمدن ایرانی است و امپراتوری ایران، جزو معروفین تمدن‌های پیشینه‌ای دارد، از این گذشته، سرمایه‌های قابل توجهی برای خودش اندوخته است، از قدرت شایسته‌ای برخوردار است؛ ضمن اینکه مهم‌ترین سرمایه‌ای که هر کشوری و هر تمدنی دارد، سرمایه فرهنگی است.

وقتی از تمدن حرف می‌زنیم، یعنی از مدنیت صحبت می‌کنیم. مدنیت هم یعنی اینکه داشتن چارچوب، مابطه و پایدها و بنیادها که در حوزه‌های مختلف قابل تعمیم است و مهم‌ترین این حوزه‌ها، فرهنگ است.

ایران ما هم با توجه به سابه و پیشینه‌ای که دارد، یکی از ثروت‌های جدی و اساسی‌اش، ثروت فرهنگی‌اش است که برای اینکه بتواند خودش را در سراسر دنیا با آن سابقه و پیشینه معرفی کند، حتماً باید سرمایه‌ها و اندوخته‌هایی که دارد معرفی کند. اندوخته اصلی و محوری ایران تمدنی و عزیز ما، سرمایه فرهنگی است. با هوشمندی که رهبر معظم انقلاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به خرج داده‌اند، در دوره زعامت و امامت ایشان، بحث صدور فرهنگ انقلاب اسلامی و فرهنگ ایرانی که در قالب یک سازمان مستقل شده است و ما سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را متولی صدور فرهنگ ایران و انقلاب اسلامی ایران می‌دانیم. بنابراین، این نکته قابل‌اشاره است که برای اینکه شما بتوانید در سراسر دنیا، خودتان را با آن گذشته و پیشینه به درستی معرفی کنید، شناساندن فرهنگ یک کشور و صدور آن، یک امر ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد. برای مثال، فروشنده‌ای را در نظر بگیرید که در یک بازار بزرگ، جزو قدیمی‌ها و باسابقه است. طبیعتاً بهترین کالاها و محصولات‌اش را برای فروش عرضه می‌کند به جهت اینکه بتواند اصالت خود را اثبات کند و محبوبیت‌اش را به نمایش بگذارد. ما نیز دستاوردها و سرمایه‌های زیادی داریم،

از جمله سرمایه‌های فرهنگی که موظفیم که آن را به جهانیان معرفی کنیم و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، این رسالت بزرگ را برعهده دارد. وظیفه‌اش هم این است که مهم‌ترین عنصر و سرمایه را معرفی کند. فرهنگ سرمایه است. اقتصاد، سرمایه است. سیاست، سرمایه است. اصول اجتماعی، سرمایه است و ما از این سرمایه‌ها، دست‌پری داریم به دلیل پیشینه با عظمت‌مان. اما سرمایه فرهنگی زیرساخت همه اینها به حساب می‌آید.

فرهنگ یک کشور، شخصیت آن کشور را نشان می‌دهد و امروز نشان دادن این سرمایه بزرگی که در اختیار جمهوری اسلامی ایران است، برعهده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نهاده شده است. در این میان، بحث اقتدار فرهنگی به میان می‌آید و سوال این است که چرا ما حرف از اقتدار می‌زنیم؟ وقتی شما سابقه‌ات رو به درستی بشناسید و آن را به درستی بشناسانید، اقتدارآفرینی کرده‌اید. در واقع، برتری‌ها و برجستگی‌های موجود در فرهنگ، برای شما اقتدار ایجاد می‌کند. شما دو انسان را در نظر بگیرید که در واقع ظرفیت بدنی و جسمی شما تفاوت دارند. هر یک از آنها دارای توانمندی‌هایی است. فردی که جسم آماده و چابکی دارد و روی توانمندی‌های

جسمانی‌اش بهتر کار بکند و اعضای بدن‌اش را منطقی و تئومندتر کند، بدن جذاب و در نگاه عمومی، چهره‌ای مقتدرتری دارد. اقتدار تبیین درست و دقیق و عمیق شایستگی‌ها و جذابیت‌های کشور است. حال اینکه چه عوامل و عناصری اقتدارآفرین هستند و در فرهنگ ما وجود دارند، باید گفت استقلال و رسالت فرهنگی ما از جمله شاخص‌های بزرگ و مهم در امر اقتدارآفرینی است. در هیچ دوره‌ای، هیچ کشوری نتوانسته است کشور ما را اشغال کند. در طول تاریخ، تهاجمات زیادی به کشور ما شده است اما در نهایت، استقلال ما حفظ شده است که ناشی از اقتدار فرهنگی ما است.

یک نکته اساسی در این میان، مدنظر است؛ در خارج از کشور با توجه به محدودیت‌ها و سختی‌هایی که وجود دارد برای کارهای فرهنگی، ما چطور می‌توانیم فرهنگ‌مان را صادر کنیم و آن را توسعه بخشیم؟ موقعی که حرف از اقتدار و توانمندی می‌زنیم، در عمل هم خود به خود، کار ما سهل می‌شود. با تکیه بر همان پیشینه، دست ما پراست. فرهنگ یک مقوله فطرت معززه است و در دنیا، حتماً از طرف مردم آزرده و منصف و بی‌طرف، مورد استقبال قرار می‌گیرد.

در کنار همان محدودیت‌ها، در حین حال، فرصت‌هایی زیادی هم وجود دارد. نخستین‌اش، تناسب فطرتی است که بین همه انسان وجود دارد. همه، بالفطره شریف و پاک هستند. نسبت به ارزش‌ها، واکنش مثبت نشان می‌دهند. زمانی ما دارای فرهنگ توانمند و قوی باشیم و در کشور خود توانسته باشیم به خوبی آن را در بدانتیم، در مواقعی که بخواهیم آن را به دنیا معرفی کنیم، شاهد واکنش مثبت خواهیم بود. بنابراین محدودیت‌های فرهنگی در خارج از کشور، در جای خود محفوظ است و فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد که متناسب با ظرفیتهای آن کشور و پیشینه و فرهنگ‌اش، می‌توان عمل کرد.

باید کسانی که متولی رایزنی‌های فرهنگی با مراکز فرهنگی ما در سراسر دنیا می‌شوند، ابتدا فرهنگ‌مان را بشناسند و بر نقاط و ویژه و برجسته آن مسلط باشند و دوم اینکه، شخصیت فرهنگی داشته باشند و توانمندی انتقال داشته‌های فرهنگی ما را به کشورهای دیگر داشته باشند. همچنین از فرصت‌هایی که در کشورهای دیگر فرهنگ و پیشینه فرهنگی کشور ما را به خوبی بشناسند، باید بهره‌لازم را برد. از سوی دیگر، فرهنگ از آنجا که یک مقوله مردم پایه است، باید مردم و نخبگان برخاسته از کشور محل ماموریت را به

خوبی شناسایی کنند و با آنها ارتباط بگیرند؛ در واقع هنگامی که فرهنگی غنی‌مان را به آنها معرفی می‌کنند، عملاً آنها را با ما همسو و همراه خواهند کرد. نکته آخر این است که چطور مناسبات و فعالیت‌های فرهنگی در حوزه دیپلماسی می‌تواند بر رشد اقتصادی ما تأثیر بگذارد؟ اقتصاد یک مقوله کاملاً رفت و برگشتی و دوطرفه است. تک‌بعدی نیست بلکه چند بعدی است. برای داد و ستد، طبیعتاً باید طرفینی وجود داشته باشد و این طرفین، جمع بندی اولیه شان بر انجام داد و ستد باشد. شما وقتی با یک جامعه‌ای ارتباط فرهنگی خوبی بگیرید و به آنجا روابط صمیمی و عاطفی شکل بگیرید، عملاً زمینه فعالیت اقتصادی به صورت جدی فراهم می‌شود. هر قدر روابط فرهنگی ما با هر کشوری در دنیا، جدی و وسیع باشد، اثر جدی روی روابط اقتصادی با آن کشور دارد. چون تعاملات را توسعه می‌دهد و باعث افزایش اعتماد عمیق می‌شود. هر جا که اعتماد شکل بگیرد، بهترین بستر برای فعالیت اقتصاد به وجود می‌آید و در نهایت به رشد اقتصاد منجر خواهد شد. بنابراین دیپلماسی فرهنگی تأثیر جدی، عمیق و مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و رشد اقتصادی کشور دارد.

یادداشت



مسعود حسین‌پور معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

●